

جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش تنکابنی در شهر تنکابن

بهمن زندی

دانشگاه پیام نور

بلقیس روشن

دانشگاه پیام نور

سارا نصیری الموتی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی

چکیده

در این پژوهش تلاش می‌شود تا نقش اجتماعی و کاربرد زبان فارسی و گویش تنکابنی (از گویش‌های زبان مازندرانی غربی) براساس متغیرهای سن، جنس، شغل، تحصیلات و زبان مادری همسر، در شش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری، در جامعه زبانی شهر تنکابن مشخص شود. به این منظور ۲۵۰ آزمودنی براساس گروه سنی، سطح تحصیلات، جنس، شغل و زبان مادری همسر، از مناطق مختلف شهر تنکابن، به صورت تصادفی، برگزیده شدند. سپس داده‌ها (شامل ۳۶ سؤال)، با استفاده از پرسش‌نامه الگوی پژوهشی پاراشر^۱ (۱۹۸۰)، جمع‌آوری و براساس درجه رسمیت حوزه، به ترتیب از غیررسمی به رسمی مرتب و توسط کامپیوتر پردازش شدند. روش‌های آماری آزمون T نمونه‌های مستقل، آزمون تی نمونه‌های زوجی و تحلیل واریانس یک‌طرفه، جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش به کار گرفته

شدند. در مجموع، نتایج حاصل از مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی، در رابطه با شش حوزه اجتماعی، نشان می‌دهد که زبان فارسی، زبان غالب در هر شش حوزه است و نیز عوامل اجتماعی سن، جنس، شغل، تحصیلات و زبان مادری همسر در کاربرد زبان فارسی و گویش تنکابنی مؤثرند و احتمال می‌رود که کاربرد تنکابنی در میان گویشوران به تدریج کمتر شود و فارسی به طور کامل در تمامی حوزه‌های اجتماعی جایگزین این گویش گردد.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، دوزبان‌گویی، تحلیل حوزه‌ای، زبان فارسی، گویش تنکابنی.

۱. مقدمه

در این پژوهش به بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش تنکابنی در شهر تنکابن، از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، پرداخته می‌شود. شکل‌گیری این رشته به زمان تحقیقات لباو و ترادگیل برمی‌گردد. لباو با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناختی و زبان‌شناختی، برای نخستین بار، هم‌بستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی را به شیوه علمی و منظم نشان داده است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴-۱۲). زبان پدیده‌ای اجتماعی و در عین حال بسیار تغییرپذیر است. جامعه‌شناسی زبان در زمینه زبان و جامعه به پژوهش می‌پردازد و با علومی مانند جغرافیای انسانی و جامعه‌شناسی ارتباط نزدیکی دارد (ترادگیل، ۱۹۸۴: ۴۳-۴۲).

سخن‌گویان زبان همواره در همه نواحی جغرافیایی و نیز موقعیت‌های گوناگون به طور یکسان صحبت نمی‌کنند: گونه‌های زبانی مورد استفاده آن‌ها در خانه، مدرسه یا دانشگاه، محیط کار، بازار، محیط‌های اداری، موقعیت‌های رسمی و جز این‌ها، تاحدودی با یکدیگر متفاوتند. هم‌چنین، عوامل گوناگونی چون موضوع، هدف، موقعیت زمانی و مکانی، فرد یا گروه بودن، مخاطب، چگونگی رابطه گوینده و شنونده، به لحاظ برابری، پایین‌تری یا بالاتری سنی، طبقاتی، شغلی، تحصیلی و جز این‌ها، میزان صمیمیت و نیز گفتاری یا نوشتاری بودن ارتباط زبانی، در تعیین سبک‌های موقعیتی بسیار مهم و مؤثر هستند (فالک، ۱۳۸۰: ۳۸۸).

فیشمن (۱۹۶۴) نخستین کسی است که اصطلاح حوزه کاربرد زبان‌ها را ارائه کرد و سپس فسولد (۱۹۸۳: ۱۸۳) این مفهوم را بسط داد و حوزه‌های کاربرد زبان را اعم از خانواده، همسایگی، دوستی، داد و ستد، مدرسه، محیط کار، امور دولتی و امور مذهبی معرفی کرد. هادسن^۱ (۱۹۸۰: ۱۷۱) معتقد است که جامعه‌شناسان زبان به بررسی‌های گسترده‌ای در زمینه تفاوت‌های گوناگون میان سخن‌گویان زبان دست زده‌اند، مانند تفاوت در محل سکونت، موقعیت‌های اجتماعی، جنس، نژاد، سن و شغل. مجموعه‌ای از این عوامل، گروه‌های

1. R. A. Hudson

بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش ...

اجتماعی را از یکدیگر متمایز می‌کند و هر سخن‌گو پس از تثبیت موقعیت خود در یک گروه اجتماعی خاص، نوع گفتار آن گروه را برمی‌گزیند.

جامعه‌شناسان زبان، پدیده برخورد زبانی را در جوامع مختلف ارزیابی کرده‌اند. برخورد زبانی، در پژوهش حاضر نیز بررسی خواهد شد، زیرا این برخورد منجر به پیدایش دوزبانگی، چندزبانگی و دوزبان‌گونه‌گی در جوامع بشری می‌شود: به‌طور کلی در جوامع امروزی برای برآوردن نیازهای ارتباطی به بیش از یک زبان نیاز است. این امر منجر به دوزبانگی و یا حتی چندزبانگی می‌شود، که از دو بعد فردی (فرد دوزبان)، و اجتماعی (جامعه دوزبان) بررسی می‌شود. جامعه دوزبان یا چندزبان، جامعه‌ای است که دو یا چند زبان در آن رایج است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۸).

از دیگر پدیده‌هایی، که در اثر برخورد زبانی ایجاد می‌شود، دوزبان‌گونه‌گی است. به‌اعتقاد فرگوسن (۱۹۵۹)، دوزبان‌گونه‌گی نوع خاصی از معیارسازی است که در آن دو گونه از یک زبان در کنار هم و در سراسر جامعه هم‌زیستی می‌کنند و هر یک نقش معینی به‌عهده می‌گیرد. این دو گونه را فراگونه و فروگونه می‌نامند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوزبان‌گونه‌گی، تخصصی‌شدن نقش فراگونه و فروگونه معیار است. فراگونه در بافت‌های رسمی و فروگونه در بافت‌های غیررسمی به‌کار می‌روند. فراگونه معمولاً در مواردی چون خطبه‌ها، مکاتبات رسمی، ادبیات رسمی، اخبار، و فروگونه معمولاً در محاورات روزمره، برنامه‌های محلی رادیو تلویزیونی و ادبیات عامیانه به‌کار می‌روند. از حیث وجهه، مردم از بسیاری جهات، فراگونه را برتر از فروگونه می‌دانند. فراگونه از طریق آموزش فراگرفته می‌شود اما فروگونه به‌شیوه‌ای آموخته می‌شود، که می‌توان آن را شیوه طبیعی یادگیری زبان مادری دانست.

نرسیسیانس (۱۳۶۴: ۷۷-۷۵)، دوزبان‌گونه‌گی در ایران معاصر را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند: الف) فارسی ادبی با فارسی گفتاری، ب) فارسی استاندارد با لهجه و گویش‌های منطقه‌ای، ج) زبان فارسی با زبان‌های بومی دیگر. به اعتقاد وی گروه دوم بارزترین و قدیمی‌ترین نمونه دوزبان‌گونه‌گی در ایران است. درمورد گروه سوم باید گفت که در ایران علاوه بر جمعیت فارسی‌زبان، گروه‌های قومی دیگری نیز وجود دارند که در مکالمات داخلی خود به زبان قومی خویش صحبت می‌کنند. از نظر چگونگی وضعیت دوزبانی اکثر این اقوام مراحل دوزبانی غیر کامل و دوزبانی تک‌سواد را پشت‌سر گذاشته و به‌خصوص درمورد نسل جدید به‌حالت دوزبانی کامل رسیده‌اند. با این‌همه دوزبانی اینان حتی بیشتر از حالت وجود هم‌زمان فارسی استاندارد با یک گویش یا لهجه محلی، جنبه دوزبان‌گونه‌گی پیدا کرده است.

پژوهش‌های بسیاری توسط محققان غیرایرانی و ایرانی در زمینه زبان‌شناسی اجتماعی و تعیین هم‌بستگی عوامل مختلف اجتماعی با رفتارهای گوناگون زبانی از جمله تحلیل حوزه‌ای،

دوزبان‌گونی، بررسی جایگاه اجتماعی گویش‌ها و زبان‌های بومی صورت گرفته است. در این قسمت آرای برخی از این محققان ارائه می‌شود.

فیشرمن^۱ (۱۹۶۶) روی میزان پایداری به زبان مادری، در میان گروه‌های مهاجر آمریکایی مطالعه کرده است. وی به بررسی کاربرد زبان انگلیسی و زبان مهاجران در حوزه‌های کاربردی مختلف پرداخت و به این نتیجه رسید که زبان انگلیسی در تمامی حوزه‌ها، به‌استثنای برخی حوزه‌های خصوصی و محدود، جای زبان مادری مهاجران را اشغال کرده است. فیشرمن و همکاران (۱۹۷۱) پژوهشی را بر روی مهاجران پورتوریکویی (گویشوران اسپانیایی) در نیویورک انجام دادند. نتایج نشان داد که اسپانیایی‌گفتاری، در وهله اول با حوزه خانواده، و در وهله دوم با حوزه‌های دوستی و مذهب در ارتباط است. این زبان با حوزه‌های آموزشی و شغلی کمترین ارتباط را دارد اما در مورد زبان انگلیسی عکس این قضیه صادق است. گال^۲ (۱۹۷۹) در پژوهشی، در منطقه دوزبانۀ اوبروارت^۳ در شرق اتریش، در همسایگی مجارستان، به بررسی دو زبان آلمانی و مجاری در این منطقه پرداخت و نتیجه گرفت که نقش مخاطب و اعتبار اجتماعی زبان بسیار مهم است. همچنین عوامل اجتماعی و نیز حوزه‌های اجتماعی مختلف، کاربرد زبان را زیر تأثیر قرار می‌دهند.

پژوهش پاراشر (۱۹۸۰) در هندوستان، در مورد کاربرد زبان‌های هندی و انگلیسی در شش حوزه اجتماعی، نشان داد که در حوزه‌های غیررسمی، خانواده، دوستی و همسایگی، از زبان مادری و در حوزه رسمی دادوستد، آموزشی و اداری، از زبان انگلیسی استفاده می‌شود و موقعیت زبانی در هندوستان موقعیتی دوزبان‌گونه است.

فسولد^۴ (۱۹۸۴) در میان سرخپوستان تیوا، واقع در ایالات نیومکزیکو، با استفاده از تحلیل حوزه‌ای، به این نتیجه رسید که انتخاب زبان به‌شدت زیر تأثیر مخاطب و موقعیت است و این‌که برای افراد تیوا، انگلیسی، زبان برقراری ارتباط با افراد انگلیسی‌زبان و افراد دیگر قبایل است.

ذوالفقاری (۱۳۷۶)، درباره زوال یا بقای زبان بختیاری، در شهر مسجد سلیمان، مطالعه کرد و به این نتیجه دست یافت که کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های رسمی بیش‌از حوزه‌های غیررسمی است و در مجموع بختیاری با کاهش میزان کاربرد در حوزه‌های مختلف، جای خود را به زبان فارسی می‌دهد. فریدونی (۱۹۹۸) به بررسی چندزبانگی در شهر ارومیه پرداخت. در این شهر ترک‌ها دوزبانۀ و کردها و ارمنی‌ها سه‌زبانۀ هستند. نتیجه نشان داد که در میان جماعت

1. J. Fishman
2. S. Gal
3. Oberwart
4. R. Fasold

بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش ...

ترک‌زبان، زبان ترکی، زبان مسلط در تمامی حوزه‌ها، به‌جز حوزه آموزش است. هم‌چنین متغیر سن تأثیر مهمی بر انتخاب نوع زبان مورد استفاده درمیان سه گروه فوق دارد. صنایع‌مقدم (۱۹۹۹) به بررسی میزان کاربرد زبان‌های فارسی و لری در شهر یاسوج پرداخت. نتیجه نشان داد که زبان لری، زبان مسلط در تمامی حوزه‌هاست. هم‌چنین انتخاب زبان توسط زنان و مردان برخلاف جوامع دیگر است. در این شهر زنان بیشتر از مردان از زبان لری استفاده می‌کنند. درضمن دوزبان‌گونگی در این شهر کامل نیست.

بشیرنژاد (۱۳۷۹) به بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و مازندرانی درمیان دانش‌آموزان و معلمان دوره متوسطه در شهر آمل پرداخت. نتایج نشان داد که زبان مازندرانی در حوزه‌های غیررسمی کاربرد بیشتری دارد و در حوزه‌های رسمی از زبان فارسی استفاده می‌شود و متغیرهای اجتماعی مختلف نیز بر کاربرد زبان‌ها مؤثراند. بشیرنژاد (۱۳۸۶) به بررسی جایگاه اجتماعی زبان مازندرانی و میزان کاربرد آن در حوزه‌های مختلف، در پنج شهر استان مازندران (آمل، ساری، نور، رامسر، بهشهر) پرداخت. نتایج نشان داد که به‌طورنسبی، بیشترین کاربرد مازندرانی متعلق به حوزه خانواده است و هرچه حوزه رسمی‌تر می‌شود میزان کاربرد مازندرانی کاهش می‌یابد. هم‌چنین، متغیرهای اجتماعی در کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف مؤثراند و کاربرد زبان فارسی در بین گروه‌های سنی پایین، بیش‌از گروه‌های سنی بالا، در بین زنان بیش‌از مردان، درمیان شهرنشینان بیش‌از روستاییان، دربین افراد تحصیل‌کرده بیش‌از افراد کم‌سواد و بی‌سواد است. یافته‌های پژوهش حاکی از فرسایش تدریجی زبان مازندرانی و جایگزینی آن با زبان فارسی در حوزه‌های مختلف است. شاه‌بخش (۲۰۰۰) به پژوهشی درباره زبان بلوچی پرداخت. نتایج نشان داد که عمدتاً در شهرها، فارسی زبان غالب است و بلوچی صرفاً در حوزه‌های غیررسمی رواج دارد. مشایخ (۱۳۸۱) به بررسی کاربرد گیلکی و فارسی در شهر رشت پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تغییر زبانی وسیعی، از گیلکی به فارسی، در شهر رشت بود. ایمانی (۱۳۸۳) به بررسی وضعیت کاربردی دو زبان ترکی و فارسی درمیان دوزبان‌های ترکی-فارسی ساکن شهر قم پرداخت. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که هرچه از حوزه‌های غیررسمی به سمت حوزه‌های رسمی‌تر حرکت می‌کنیم، میزان کاربرد ترکی کاهش می‌یابد. هم‌چنین متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت نیز بر میزان کاربرد دو زبان تأثیرگذارند و نیز هرچه منطقه اجتماعی بالاتر باشد میزان کاربرد ترکی کمتر است.

بررسی مطالعات پیشین محققان ایرانی و غیرایرانی نشان می‌دهد که تقریباً در اکثر پژوهش‌های انجام‌شده، جز مواردی خاص، کاربرد زبان‌های معتبر و پروجه در حوزه‌های رسمی بیشتر از حوزه‌های غیررسمی است. هم‌چنین در اکثر پژوهش‌ها عوامل اجتماعی مختلف، کاربرد زبان‌ها را زیر تأثیر قرار می‌دهند.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود به شناسایی جایگاه اجتماعی زبان فارسی و گویش تنکابنی و میزان کاربرد آن‌ها در حوزه‌های مختلف، در میان جامعه زبانی شهر تنکابن، و همچنین تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر این کاربردها بپردازیم. هدف اصلی این پژوهش پی‌بردن به رابطه بین حوزه‌های اجتماعی و انتخاب زبان توسط افراد از یک سو، و تأثیر عوامل اجتماعی نظیر سن، جنس، شغل، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر بر انتخاب زبان، از سوی دیگر است. همچنین نشان داده می‌شود که بحث دوزبان‌گویی در شهر تنکابن تا چه حد وجود دارد. فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. با کاهش سن، کاربرد زبان فارسی بیشتر می‌شود.
۲. زنان در مقایسه با مردان، فارسی را بیشتر به کار می‌برند.
۳. هرچه تعامل اجتماعی و رسمی شغل بیشتر باشد، فرد کمتر از گویش تنکابنی استفاده می‌کند.
۴. هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، کاربرد زبان فارسی بیشتر است.
۵. کاربرد گویش تنکابنی در میان افرادی که دارای همسر تنکابنی‌زبان هستند، بیشتر است.
۶. هرچه حوزه اجتماعی رسمی‌تر باشد، کاربرد زبان فارسی بیشتر است.

۲. روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، پیمایشی توصیفی است و جامعه آماری آن را ساکنان شهر تنکابن تشکیل می‌دهند. انتخاب آزمودنی‌ها بر اساس گروه‌بندی تصادفی و نیز عوامل اجتماعی جنس، سن، شغل، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر است. همچنین آزمودنی‌ها از بین افراد بومی‌زبان و از تمامی مناطق شهر تنکابن برگزیده شده‌اند. ۲۵۰ آزمودنی بر اساس جنسیت، شامل ۱۲۵ مرد (۵۰٪) و ۱۲۵ زن (۵۰٪)، انتخاب شده‌اند. سپس آزمودنی‌ها، با توجه به عامل تأهل، به دو گروه مجرد، ۱۴۰ نفر (۵۶٪)، و متأهل، ۱۱۰ نفر (۴۴٪)، تقسیم شده‌اند. از میان افراد متأهل، ۷۷ نفر (۳۰.۸٪) همسر تنکابنی‌زبان و ۳۳ نفر (۱۳.۲٪) همسر غیر تنکابنی‌زبان داشته‌اند. جدول (۱) جمعیت شهرستان تنکابن را بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش ...

جدول ۱. جمعیت شهرستان تنکابن در سال ۱۳۸۵

مناطق	تعداد	جنس	تعداد
شهری	۸۶۱۵۳	مرد	۹۷۷۸۸
روستایی	۱۰۸۵۶۶	زن	۹۶۹۳۲
کل	۱۹۴۷۱۹	کل	۱۹۴۷۱۹

در این پژوهش طیف گسترده‌ای از هرم سنی وجود دارد و آزمودنی‌ها از پنج گروه سنی انتخاب شده‌اند. جدول زیر فراوانی و درصد آزمودنی‌ها را در هر گروه سنی نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها براساس سن

سن	تعداد	درصد	گروه سنی
سن	۱۲/۴	۳۱	کمتر از ۱۰ سال (کودکان)
	۱۳/۲	۳۳	۱۱ تا ۱۶ سال (نوجوانان)
	۳۰/۰	۷۵	۱۷ تا ۲۵ سال (جوانان)
	۳۲/۸	۸۲	۲۶ تا ۶۵ سال (افراد میان‌سال)
	۱۱/۶	۲۹	بالای ۶۵ سال (سالخورده)
	۱۰۰/۰	۲۵۰	کل

با توجه به عامل سطح تحصیلات، آزمودنی‌ها به هشت گروه تقسیم شدند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها براساس سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد	درصد	گروه تحصیلی
سطح تحصیلات	۶/۲	۱۶	بی‌سواد
	۱۴/۸	۳۷	ابتدایی
	۹/۶	۲۴	راهنمایی
	۱۲/۴	۳۱	دبیرستان
	۲۰/۴	۵۱	دیپلم
	۶/۴	۱۶	فوق‌دیپلم
	۲۴/۸	۶۲	لیسانس
	۸/۲	۱۳	فوق‌لیسانس / دکترا
۱۰۰/۰	۲۵۰	کل	

در نهایت آزمودنی‌ها براساس عامل شغل در چهار گروه آزاد، اداری، آموزشی و سایر قرار گرفتند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها براساس شغل

۱۶/۴	۴۱	آزاد	شغل
۱۲/۸	۳۲	اداری	
۸/۲	۲۱	آموزشی	
۵۲/۴	۱۵۶	سایر	
۱۰۰/۰	۲۵۰	کل	

داده‌های پژوهشی از طریق پرسش‌نامه‌ای، حاوی ۳۶ سؤال، گردآوری شد. این پرسش‌نامه براساس الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) انتخاب شد. پاراشر شش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری را به ترتیب از غیررسمی به رسمی در نظر گرفته بود. افراد باسواد پرسش‌نامه‌ها را شخصاً تکمیل کردند ولی متن پرسش‌نامه‌ها برای بی‌سوادان خوانده شد. داده‌های خام از ۲۵۰ پرسش‌نامه تکمیل شده توسط افراد جامعه زبانی شهر تنکابن به دست آمد. داده‌ها به روش آماری و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و با بهره‌جویی از آزمون T نمونه‌های زوجی، آزمون T نمونه‌های مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه پردازش شد. در این پژوهش متغیرهای مختلفی بررسی شدند. سن، جنس، سطح تحصیلات، شغل و زبان مادری همسر، متغیرهای مستقل، کاربرد زبان، متغیر وابسته، و زبان مادری آزمودنی‌ها به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شد. داده خام، مجموع فراوانی فارسی و تنکابنی در هر حوزه بود، که نشان‌گر گرایش سخن‌گویان نسبت به کاربرد این دو زبان در حوزه‌های مختلف اجتماعی بوده است.

۳. یافته‌ها

۳.۱. مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی در رابطه با شش حوزه اجتماعی

نتایج آزمون t نمونه‌های زوجی بیان‌گر آن است که در هر شش حوزه اجتماعی، تفاوت معناداری بین میانگین کاربرد فارسی و تنکابنی وجود دارد. خانواده غیررسمی‌ترین حوزه‌ای است که قاعداً باید زبان تنکابنی در آن بیشتر استفاده شود. باین وجود، در این حوزه، فارسی نسبت به تنکابنی کاربرد بیشتری دارد. البته باین حال، در این حوزه، فارسی کمتر از حوزه‌های دیگر کاربرد دارد. باتوجه به درجه رسمیت الگوی پاراشر، حوزه اداری رسمی‌ترین حوزه در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، کاربرد زبان فارسی در حوزه آموزشی نسبت به حوزه

بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش ...

اداری بیشتر است، در صورتی که حوزه آموزشی درجه رسمیت کمتری نسبت به حوزه اداری دارد.

جدول ۵. آزمون t نمونه‌های زوجی کاربرد فارسی و تنکابنی در شش حوزه اجتماعی

p-value	t	درجه آزادی	تنکابنی		فارسی		متغیر کاربرد زبان
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۶/۳۵	۲۴۹	۱/۰۹	۲/۰۶	۱/۱۰	۲/۹۴	حوزه خانواده
۰/۰۰۰	۱۷/۴۷	۲۴۹	۰/۷۸	۱/۶۳	۰/۷۹	۳/۳۷	حوزه دوستی
۰/۰۰۰	۱۷/۷۳	۲۴۹	۰/۷۹	۱/۶۳	۰/۷۸	۳/۳۸	حوزه همسایگی
۰/۰۰۰	۳۲/۳۰	۲۴۹	۰/۵۴	۱/۳۰	۰/۷۱	۳/۷۳	حوزه دادوستد
۰/۰۰۰	۳۸/۲۶	۲۴۱	۰/۵۴	۱/۲۰	۰/۵۲	۳/۸۰	حوزه آموزشی
۰/۰۰۰	۲۷/۳۰	۲۱۰	۰/۶۳	۱/۳۲	۰/۶۳	۳/۶۸	حوزه اداری

در این پژوهش، کاربرد زبان فارسی در حوزه آموزشی نسبت به حوزه اداری بیشتر است، در صورتی که حوزه آموزشی درجه رسمیت کمتری نسبت به حوزه اداری دارد. گرایش افراد به تکلم به زبان فارسی، در حوزه آموزش، نسبت به حوزه اداری می‌تواند به علت بافت حوزه‌های آموزشی باشد. زیرا همان‌گونه که می‌دانیم، زبان فارسی، زبان رسمی و آموزش در کشور است. همچنین می‌تواند به این دلیل باشد که حوزه اداری عموماً حوزه‌ای بومی است و کارکنان ادارات معمولاً از افراد بومی مناطق انتخاب و استخدام می‌شوند.

۲.۳. مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی با متغیر جنسیت

مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی با متغیر جنسیت نشان داد که در تمام حوزه‌ها تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود دارد: در تمام حوزه‌ها زنان بیش از مردان از زبان فارسی استفاده می‌کنند و همچنین مردان بیشتر از زنان از تنکابنی استفاده می‌کنند، اما به‌طور کلی هم زنان و هم مردان در تمام حوزه‌ها از زبان فارسی بیشتر از گویش تنکابنی استفاده می‌کنند.

جدول ۶. آزمون t نمونه‌های مستقل کاربرد فارسی با متغیر جنسیت در شش حوزه اجتماعی

p-value	t	درجه آزادی	زن		مرد		متغیر کاربرد فارسی
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۹	-۲/۶۱	۲۴۸	۱/۰۸	۳/۱۲	۱/۰۹	۲/۷۶	حوزه خانواده
۰/۰۰۸	-۲/۶۸	۲۴۸	۰/۷۲	۳/۵۰	۰/۸۳	۳/۲۴	حوزه دوستی
۰/۰۱۰	-۲/۶۰	۲۴۸	۰/۷۲	۳/۵۱	۰/۸۲	۳/۲۵	حوزه همسایگی
۰/۰۴۰	-۲/۰۶	۲۴۸	۰/۳۴	۳/۸۲	۰/۹۵	۳/۶۴	حوزه دادوستد
۰/۰۱۰	-۲/۵۹	۲۴۰	۰/۳۴	۳/۸۸	۰/۶۴	۳/۷۱	حوزه آموزشی
۰/۰۰۲	-۳/۱۳	۲۰۹	۰/۴۵	۳/۸۲	۰/۷۴	۳/۵۵	حوزه اداری

جدول ۷. آزمون t نمونه‌های مستقل کاربرد تنکابنی با متغیر جنسیت در شش حوزه اجتماعی

p-value	t	درجه آزادی	تنکابنی		فارسی		متغیر کاربرد تنکابنی
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۲/۵۸	۲۴۸	۱/۰۷	۱/۸۸	۱/۰۹	۲/۲۴	حوزه خانواده
۰/۰۰۶	۲/۷۹	۲۴۸	۰/۷۱	۱/۴۹	۰/۸۴	۱/۷۶	حوزه دوستی
۰/۰۱۵	۲/۴۵	۲۴۸	۰/۷۳	۱/۵۰	۰/۸۲	۱/۷۵	حوزه همسایگی
۰/۰۰۱	۳/۴۲	۲۴۸	۰/۳۵	۱/۱۸	۰/۶۶	۱/۴۱	حوزه داد و ستد
۰/۰۲۵	۲/۲۶	۲۴۰	۰/۴۱	۱/۱۲	۰/۶۳	۱/۲۸	حوزه آموزشی
۰/۰۰۳	۲/۹۵	۲۰۹	۰/۴۶	۱/۱۹	۰/۷۴	۱/۴۴	حوزه اداری

۳.۳. مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی با توجه به زبان مادری همسر

مقایسه میانگین کاربرد فارسی و تنکابنی با متغیر زبان مادری همسر نشان داد که در حوزه‌های دوستی، دادوستد، آموزشی و اداری، تفاوت معناداری بین دو گروه در کاربرد فارسی و تنکابنی وجود ندارد. اما در حوزه خانواده و همسایگی تفاوت معناداری وجود دارد. این در حالی است که میانگین‌های به‌دست‌آمده، در هر شش حوزه، بیان‌گر این مسئله است که افرادی که همسر تنکابنی‌زبان دارند، در هر شش حوزه اجتماعی نسبت به افرادی که همسر غیرتنکابنی‌زبان دارند، از تنکابنی بیشتر استفاده می‌کنند. باین‌وجود تنها در دو حوزه خانواده و همسایگی تفاوت معنادار وجود دارد.

بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش ...

جدول ۸. آزمون t نمونه‌های مستقل کاربرد فارسی با متغیر زبان مادری همسر در شش حوزه اجتماعی

p-value	t	درجه آزادی	تنکابنی		غیر تنکابنی		متغیر کاربرد فارسی
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۳/۵۹	۱۰۸	۰/۹۹	۲/۱۳	۰/۹۹	۲/۸۷	حوزه خانواده
۰/۰۸۱	۱/۷۶	۱۰۸	۰/۷۸	۲/۹۳	۰/۸۸	۳/۲۳	حوزه دوستی
۰/۰۰۵	۲/۸۹	۱۰۸	۰/۸۲	۲/۹۰	۰/۷۰	۳/۳۸	حوزه همسایگی
۰/۰۶۴	۱/۸۷	۱۰۸	۰/۵۷	۳/۵۴	۱/۳۹	۳/۸۹	حوزه داد و ستد
۰/۳۳۲	-۰/۹۷	۱۰۲	۰/۶۳	۳/۶۹	۰/۴۶	۳/۸۱	حوزه آموزشی
۰/۱۹۲	۱/۳۱	۱۰۷	۰/۷۳	۳/۵۵	۰/۴۶	۳/۷۳	حوزه اداری

جدول ۹. آزمون t نمونه‌های مستقل کاربرد تنکابنی با متغیر زبان مادری همسر در شش حوزه اجتماعی

p-value	t	درجه آزادی	تنکابنی		غیر تنکابنی		متغیر کاربرد تنکابنی
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	-۳/۶۳	۱۰۸	۰/۹۸	۲/۸۸	۰/۹۸	۲/۱۴	حوزه خانواده
۰/۰۷۰	-۱/۸۳	۱۰۸	۰/۷۶	۲/۰۸	۰/۸۷	۱/۷۷	حوزه دوستی
۰/۰۰۸	-۲/۶۹	۱۰۸	۰/۷۹	۲/۰۹	۰/۷۴	۱/۶۵	حوزه همسایگی
۰/۲۶۱	-۱/۱۳	۱۰۸	۰/۵۹	۱/۴۵	۰/۵۰	۱/۳۲	حوزه داد و ستد
۰/۳۲۰	-۰/۹۹	۱۰۲	۰/۶۲	۱/۳۰	۰/۴۶	۱/۱۷	حوزه آموزشی
۰/۱۷۵	-۱/۳۶	۱۰۷	۰/۷۳	۱/۴۴	۰/۴۵	۱/۲۵	حوزه اداری

۴.۳. مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی در گروه‌های سنی

مقایسه میانگین به‌دست‌آمده از بسامد کاربرد فارسی و تنکابنی، توسط آزمودنی‌ها در پنج گروه سنی، نمایان‌گر این است که تفاوت معناداری بین میانگین‌های گروه‌های سنی در کاربرد فارسی و تنکابنی در حوزه‌های دوستی، همسایگی، دادوستد وجود دارد، اما در حوزه آموزش، در کاربرد تنکابنی، و در حوزه اداری، در کاربرد فارسی و تنکابنی تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، گرایش به کاربرد زبان فارسی نسبت به تنکابنی، در سنین پایین‌تر نسبت به سنین بالاتر بیشتر است. از نتایج به‌دست‌آمده نکات مهمی قابل استنباط است. به‌طور کلی تنکابنی بیشتر (۱۲.۱۰۷٪) توسط افراد سالخورده مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمترین کاربرد آن (۶.۶۱۴٪) متعلق به گروه سنی زیر ده سال است. در مورد زبان فارسی، شاهد کاربرد اندک این

زبان (۱۷.۸۹۳٪) توسط افراد سالخورده هستیم و بیشترین میانگین کاربرد فارسی (۲۳.۳۶۵٪) متعلق به افراد گروه سنی زیر ده سال است.

۳.۵. مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی با توجه به سطوح مختلف تحصیلی

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که تفاوت بین میانگین‌های گروه‌های تحصیلی، در خصوص کاربرد زبان فارسی، به جز حوزه دادوستد و آموزش، در سایر حوزه‌ها معنادار است. همچنین تفاوت بین میانگین‌های گروه‌های تحصیلی در کاربرد تنکابنی، به جز حوزه آموزش، در سایر حوزه‌ها معنادار است. بیشترین کاربرد تنکابنی (۱۳.۱۹۹٪) مربوط به افراد بی‌سواد و پایین‌ترین کاربرد (۷.۷۹۱٪) مربوط به سطح تحصیلی دبیرستان است و بالعکس بیشترین کاربرد فارسی (۲۲.۴۴۸٪) مربوط به سطح تحصیلی دبیرستان و کمترین کاربرد (۱۶.۸۰۱٪) متعلق به افراد بی‌سواد است.

۳.۶. مقایسه کاربرد فارسی و تنکابنی با توجه به سطوح مختلف شغلی

نتایج حاصل از این مقایسه نشان داد که تفاوت میانگین بین گروه‌های شغلی در کاربرد تنکابنی، در تمامی حوزه‌ها، معنادار است. همچنین این نتایج بیان‌گر این بود که تفاوت میانگین بین گروه‌های شغلی در کاربرد زبان فارسی، به جز حوزه دادوستد، در سایر حوزه‌ها معنادار است. مقایسه میانگین به‌دست‌آمده از بسامد کاربرد فارسی و تنکابنی توسط آزمودنی‌ها در چهار گروه شغلی، نمایان‌گر این است که تنکابنی بیشتر (۱۱.۸۹۶٪) توسط افرادی به‌کار می‌رود که شغل آزاد دارند و کمترین کاربرد آن (۸.۳۷۵٪) متعلق به گروه شغلی سایر است. در مورد زبان فارسی، شاهد کاهش در کاربرد این زبان (۱۸.۲۷٪) توسط گروه شغلی آزاد هستیم. بیشترین میانگین کاربرد فارسی (۲۱.۷٪) متعلق به گروه شغلی سایر است.

۴. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حوزه‌های اجتماعی گوناگون، کاربرد زبان را زیر تأثیر قرار می‌دهند. زنان، جوانان، تحصیل‌کردگان، افراد دارای مشاغل رسمی‌تر و افرادی که همسر غیرتنکابنی‌زبان دارند، بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند. در تمامی حوزه‌های اجتماعی، از رسمی تا غیررسمی، فارسی زبان مسلط است. در حال حاضر گویش تنکابنی به‌شدت زیر تأثیر زبان فارسی قرار دارد. ارزش و اعتبار اجتماعی زبان فارسی نسبت به تنکابنی، وجود نگرش‌های مثبت در منطقه نسبت به زبان ملی، کاربرد زبان فارسی در محیط‌های آموزشی، گرایش به کاربرد زبان فارسی توسط افراد تحصیل‌کرده، گرایش بیشتر دختران به زبان فارسی، به‌عنوان مادران آینده، که نقش عمده‌ای در زبان‌آموزی فرزندان به‌عهده دارند، از جمله عواملی

بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش ...

هستند که باعث شده‌اند در تمامی حوزه‌های اجتماعی، زبان فارسی زبان مسلط در این منطقه از کشور باشد.

برطبق یافته‌های این پژوهش، عوامل اجتماعی سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و زبان مادری همسر در میزان کاربرد فارسی و تنکابنی مؤثرند. به‌طور کلی کاربرد زبان فارسی، در میان گروه‌های سنی پایین، بیش‌از گروه‌های سنی بالا، در بین زنان بیش‌از مردان، در بین افراد تحصیل کرده بیش‌از افراد کم‌سواد و بی‌سواد و در بین افرادی که همسر غیرتنکابنی‌زبان دارند بیش‌از افرادی که همسر تنکابنی‌زبان دارند و در بین افرادی که دارای مشاغل رسمی‌تر هستند، بیش‌از افرادی است که مشاغل غیررسمی‌تر دارند. درنهایت کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های رسمی بیش‌از حوزه‌های غیررسمی است. درمجموع یافته‌های این پژوهش حکایت از وجود پدیدهٔ دوزبان‌گویی در این منطقه دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دوزبان‌گویی در این شهر کامل نیست، زیرا در بعضی حوزه‌های رسمی از گویش تنکابنی و در بعضی حوزه‌های غیررسمی از زبان فارسی استفاده می‌شود. درواقع، همان‌گونه که نتایج مطالعات پیشین نیز درزمینهٔ دوزبان‌گویی نشان داده است، دوزبان‌گویی کامل در هیچ جامعهٔ زبانی وجود ندارد، یا حداقل در جوامع بسیار اندکی وجود دارد.

مطالعه و بررسی یافته‌های حاصل از تحقیقات پیشین، به‌ویژه تحقیقات پژوهش‌گران ایرانی، و مقایسهٔ آن با نتایج به‌دست‌آمده در شهر تنکابن نشان داد که تقریباً در بسیاری از موارد، جز مواردی خاص (در دو شهر یاسوج و ارومیه)، نتایج پژوهش حاضر، هم‌سو با یافته‌های حاصل از تحقیقات پیشین است و پژوهش‌گران تقریباً به نتایج مشابهی در رابطه با تأثیر حوزه‌های اجتماعی مختلف و متغیرهای اجتماعی بر کاربرد زبان‌ها و نیز وضعیت دوزبان‌گویی در مناطق مختلف کشور دست یافته‌اند. ازجملهٔ این پژوهش‌ها می‌توان به دو پژوهش انجام‌شده در استان مازندران توسط بشیرنژاد (۱۳۷۹ و ۱۳۸۶)، پژوهش‌های مشایخ (۱۳۸۱) در شهر رشت، هوشمند (۱۳۸۶) در شهر ممسنی، موسی کاظمی (۱۳۸۶) در شهر نائین و ایمانی (۱۳۸۳) در شهر قم اشاره کرد که در زمینه‌های تأثیر متغیرهای تحصیلات، سن، جنس، شغل و زبان مادری همسر بر کاربرد دو زبان، دوزبان‌گویی و نیز تغییر زبان در جهت حذف زبان‌های محلی منطقه و جایگزینی آن توسط فارسی نتایج بسیار مشابهی داشته‌اند.

واضح است که زبان‌های معتبر هرروزه کاربرد بیشتری می‌یابند و کاربرد زبان‌های محلی محدود به موقعیت‌های غیررسمی می‌شود. هم‌چنین عوامل متعددی مانند ادبیات هر زبان، مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، کاربرد زبان در رسانه‌های ارتباطی، آموزشی، رابطهٔ تنگاتنگ زبان با عوامل اجتماعی، می‌توانند باعث افزایش اعتبار و وجههٔ یک زبان شوند. به

اعتقاد دیکسون^۱ (۱۹۹۷)، فرایند زوال و فرسایش زبان‌ها را نمی‌توان متوقف و یا حتی جهت تغییر زبانی را برعکس کرد، اما می‌توان روند آن را کند کرد. و همواره این زبان‌های معتبر هستند که زنده خواهند ماند.

منابع

- ایمانی، محمود (۱۳۸۳). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های ترکی و فارسی در میان گویشوران شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۷۹). بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و مازندرانی در میان دانش‌آموزان و معلمان دوره متوسطه شهرستان آمل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶). جایگاه و کاربرد مازندرانی و نگرش‌های گویشوران در استان مازندران. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). گویش بختیاری: بقا یا زوال؟. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۷۸). زبان فارسی معیار. چاپ اول. تهران: هرمس.
- فالک، جولیا. اس. (۱۳۸۰). زبان‌شناسی و زبان. ترجمه علی بهرامی. تهران: رهنما.
- موسی کاظمی، سیدمهدی (۱۳۸۶). زبان نائینی: زوال یا بقا؟. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- مشایخ، طاهره (۱۳۸۱). بررسی کاربرد گیلکی و فارسی در میان دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی و والدین آنها در شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۶۴). دوزبان‌گونی در ایران. مجله زبان‌شناسی. سال دوم، شماره دوم، ۷۳-۸۰.
- هوشمند، عنایت (۱۳۸۶). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و لری در ممسنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم انسانی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور.

1. R. M. W. Dixon

- Dixon, R. M. W. (1997). *The rise and fall of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of Society*. Oxford: Blackwell.
- Fehlen, F. (2002). "Luxembourg, A multilingual society at the Romance/ Germanic Language Border". *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 80-97.
- Fereiduni, J. (1998). *A Sociolinguistic Study on Multilingualism, A Domain Analysis Perspective*. M.A Thesis, Shiraz University.
- Ferguson Ch(1959). Diglossia. *Word* 15:325-40
- Fishman, J. (1964). Language maintenance and language shift as a field of inquiry. *Linguistics*. 9.32-70
- Fishman, J. (1966). *Language loyalty in the United State , The maintenance and perpetuation of non-English mother tongues by American ethnic and religious groups*. London: Mouton de Gruyter.
- Fishman, J. et al. (1971). "Research outline for comparative studies of language planning". *Can Language be Planned?* Eds. J. Robin and B. Jernudd. 293-305.
- Gal, S. (1979). *Language Shift: Social Determinants of Linguistic Change in Bilingual Austria*. New York: Academic Press.
- Holmes, J. (1992). *An Introduction to sociolinguistics*. 1st ed. New York: Longman publishing.
- Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Parasher, S. N. (1980). "Mother tongue-English Diglossia. A case Study of Educated Indian bilingual's use". *Anthropological Linguistics*. 22 (4), 63-151.
- Sanaee Moghadam, Z. (1999). *A Domain Analysis of Language Use in Yasuj Speech Community*. M. A Thesis. Shiraz: Shiraz University.
- Shahbakhsh, A. (2000). "A Case Study of Baloch Language; An L1 changing to An L2?". <http://www.Baloch2000.com/culture/language/-3k>.
- Trudgill, Peter. (1984). *Applied Sociolinguistics*. New York: Academic Press.

